

### متن پرسش

سلام. با توجه به مباحث شما بنده به این نتیجه رسیده بودم که ابتدا روح بیمار می شود و سپس جسم. احوالات عارفان و صالحین بزرگ معاصر و غیر معاصر را هم که رصد می کردم بر روی نحوه مرگ آنها حساس شده بودم. عمدتاً بر اثر یک بیماری قلبی و یا یک تب از دنیا می رفتند و قبل از آن هم اطرافیانشان را هم مطلع می کردند. بنابراین یک بیماری معمولی اسبابی دنیایی بود برای قبض روح. تا اینکه مدتی پیش پسر ایت الله حکیم بر اثر سرطان ریه در تهران فوت کردند. کمی جا خوردم که اگر آقای حکیم روحش بزرگ بوده چرا نتوانسته است بر سلول های سرطانی فائق آید و اینکه این اولین روحانی بود که حداقل بنده دیدم بر اثر سرطان از دنیا رفته است. اگر امکان دارد کمی راجع به این مبحث برای بنده تشریح کنید. البته کتاب ۱۰ نکته در معرفت نفس را هم خواندم. همچنین شنیده هایی راجع به موت اختیاری آقای بهجت در جامعه به گوش می رسد نمی دانم معنی آن چیست؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام بحمد الله مطلب را درست فهمیده اید و واقعا مطلب همین طور است که در شرایط طبیعی ریشه‌ی همه‌ی بیماری‌ها روح است ولی یک وقت گلوله ای به انسان می‌خورد و بدن انسان را طوری متلاشی می‌کند که دیگر روح امکان تدبیر بدن را ندارد، موضوع آقای عبدالعزیز حکیم "رحمة الله علیه" از این قرار است که در سفری که به اردن داشتند ایشان را مسموم کردند و آن مسمومیت منجر به سرطان ریه شد. موت اختیاری به آن معنی است که انسان بر میل‌های نفس خود مسلط می‌شود. موفق باشید